



صهیونیست‌ها در سینما چه تصویری از هیمنه خود ساخته بودند

## چی فکر می‌کردند چی شد؟

«فرهیختگان» جزئیات حمایت مالی آمریکا از صهیونیست‌ها را بررسی می‌کند

## پولی که آمریکا در تل‌آویوبه چاه ریخت

# طوفان اپوزیسیون را هم برد

اپوزیسیون ایران ستیز در ماجرای عملیات طوفان رسما کنار صهیونیست‌ها ایستاد، «فرهیختگان» تاریخ خدمات پهلوی و جنایتکاران صهیونیست را بررسی می‌کند



گفت‌وگوی «فرهیختگان» با احسان شاه‌قاسمی  
نظام آموزشی ما استعدادهای واقعی را سرکوب می‌کند

۱۵، ۱۶

عملیات ۷ اکتبر غزه و منافع ملی ایران

## سرزمین‌ها بعد از ذهن‌ها آزاد می‌شوند

۱

در دیدار رئیس دانشگاه آزاد و وزیر علوم مالزی مطرح شد

## می‌خواهیم همگرایی نویسی پایه‌گذاری کنیم

۵، ۱۴



عملیات ۷ اکتبر غزه و منافع ملی ایران

## سرزمین‌ها بعد از ذهن‌ها آزاد می‌شوند

مسعود فروغی  
سردبیر

«اندیشه دولت یهود از اساس مقوله‌ای ناهنجار و غیرعادی است... چرا ما باید تنها ناهنجاری

تاریخ دوران مدرن را به رسمیت بشناسیم؟» «نوام جامسکی  
ماجرای فلسطین یک چالش تاریخی است با تقابل مذہبی؟ دعوی حقوقی بر سر سر حق مالکیت زمین است یا محصول طراحی غرب برای این بخش از جهان؟ ریشه در مفاهیم الهیاتی دارد یا نمادی تاریخی از استعمار مدرن است؟ و ده‌ها سوال دیگر. تاکنون درباره مساله فلسطین چگونه فکر می‌کردید؟ از زاویه اخبار تلویزیون ایران که با ادبیاتی یکسان و کسل‌کننده از «مقاومت» نیروهای جهادی فلسطینی می‌گوید یا از زاویه قصه‌های تخیلی رسانه‌های غربی؟ فکر می‌کنید این رویارویی بزرگ در منطقه ما اساسا چه ربطی به ایران و زندگی ما دارد؟ آیا با فرض یک طرح‌واره تاریخی تحولات سرزمینی را که در اشغال صهیونیست‌هاست به طور مستقیم موثر بر زندگی روزانه ما می‌داند؟ اصلا چگونه ممکن است مردمانی با دینی خاص با خرید آرام آرام هویت‌های مردم بومی یک منطقه آنجا را تصرف کنند؟ انگلیسی‌ها در زمانی که سوار بر اسب مراد بودند و جهان را اداره می‌کردند، چه نقشی در خلق داستان امروز ما داشتند؟ این سوال‌ها هر کدام بر اساس پیش‌فرض‌هایی ایجاد می‌شود که اگر آنها را دست‌کاری کنیم، پاسخ‌ها نیز عوض می‌شوند.

رابطه‌ای پیچیده و بعضا گمراه‌کننده میان وضعیت فعلی ایران در میانه سال ۱۴۰۲ و سوال‌های بالا وجود دارد که نمی‌توانیم از آنها به سادگی عبور کنیم؛ هرچند نسبت‌یابی ایران با مساله فلسطین از نظر جغرافیایی و مذہبی یک رابطه غیرقابل انکار است اما تقلیل ماجرا به مجاورت جغرافیایی و دینی هم معقول به نظر نمی‌رسد. چه آنکه با همان نگاه تقلیل‌گرایانه هم تشکیل یک نیروی معارض علیه تمامیت ارضی کشور در فاصله‌ای کم با مرزها امری ساده و عادی نیست. حال آنکه نمی‌توانیم از مساله‌ای که تمام ابعاد فکری، تاریخی، سیاسی و اجتماعی آن به نوعی به ایران گره خورده به راحتی گذشت و باید به دنبال چهارچوبی از مفاهیم گشت تا به صورت حداکثری پاسخگوی سوالات اساسی و نیازهای تاریخی ما باشد.

رخداد صبح شنبه ۱۵ مهر ۱۴۰۲ (۷ اکتبر ۲۰۲۳) در جنوب سرزمین‌های اشغالی که یک واقعه ساده تاریخی نبود از این منظر اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. رسانه‌های مرجع دنیا که به صورت تقریباً یکجا رچه در اختیار غربی‌هاست، نتوانستند شوکه شدن از ضربه بزرگی که اسرائیل خورد را پنهان کنند و شاید کسی وجود نداشته باشد که ورود فلسطینی‌ها به مناطق اشغالی را بتواند با واقعه تاریخی دیگری مقایسه کند. از نظر نظامی و امنیتی تصویر غیرقابل نفوذ نود مرن

دست برتر امنیتی و اطلاعاتی برای تهران است. اسرائیلی‌ها در چند سال اخیر تلاش کرده بودند به بدنه داخل ایران القا کنند برای خرید آینده باید به شبکه ضد امنیتی آنها پیوندند، چون قدرت برتر هستند و پیروزی نهایی در دسترس آنهاست. فشار اقتصادی فوق‌العاده به تهران، تشدید تضادهای اجتماعی که نقطه اوج آن در پاییز ۱۴۰۱ با ابعادی وسیع در ایران اجرا شد و ضربات امنیتی چندین باره به کشور، نشانه‌های عیان این قدرت‌نمایی بود. پروژه عادی سازی و «زندگی معمولی» دولت‌های مدافع آن هم پازل را تکمیل می‌کرد. حالا عکس بالباس زیر فرمانده ارشد نظامی صهیونیست‌ها نشان داد همه آن ادعاها پوچ بوده است. صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها می‌دانند مهم‌تر از عملیات شنبه ۷ اکتبر نیروهای مقاومت، نمایش ضربه‌پذیری اسرائیل رنگ خطر بزرگی برای صحنه‌گردان‌های منطقه است. اسرائیل قرار بود محافظ‌کوشی حاشیه خلیج فارس در برابر ایران باشد ولی خودش مقابل ضعیف‌ترین ابزارهای تهران باخت.

نکته آخر این بخش اما درباره شکست اصلی آمریکایی‌هاست. آنها فکر می‌کردند با تئور سردار قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران حریم امنیتی اسرائیل و خودشان تضمین شده است. برای نمونه مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا که از طراحان عملیات فرودگاه بغداد بود، در کتاب خاطراتش نوشته است: «جمهوری اسلامی جانشینی برای اقتدار، هوش و... قاسم سلیمانی ندارد». فرضیه‌ای که با عملیات ۷ اکتبر فرو ریخت. سوم، تضعیف صهیونیست‌ها و شکست ایده عادی سازی از جنبه داخلی برای ایران یک فرصت گرانبه‌است. تقابل سنگین چند سال اخیر، توجه و امکانات زیادی از ایران را منصرف کرد. حالا با ضربه بزرگ امنیتی که اسرائیل از جنوب دریافت کرد باید نگران شمال و کرانه باختری باشد؛ هرچند آزادی اسیرهای در اختیار نیروهای مقاومت، آنها را برای انتقام‌گیری از غزه در وضعیت سختی قرار می‌دهد. این وضعیت، شرایط توجیه ایران به پروژه‌های تحول داخلی و بازسازی خود را فراهم می‌سازد. در این باره باید زیاد نوشت و گفت. در طول چند سال اخیر به دلیل اشتباه دولت‌ها و فشار سهمگین اقتصادی ناشی از تحریم‌های آمریکا، تقابل امنیتی با اسرائیل به درون مرزهای ایران کشانده شده بود. ضعف اقتصادی در دی‌ماه ۹۶، آبان ۹۸ و دادن فرصت به آسیب‌های ناشی از شکاف‌های اجتماعی در پاییز ۱۴۰۱، نیروی زیادی از ایران را هدر داد. حالا اسرائیلی‌ها ضربه‌ای مهلک دریافت کردند و تا مدت‌ها گیج هستند. این ضربه مهلک برای نه‌کشیدن صهیونیست‌ها شروع یک پایان است. شرط اساسی آن اما بازسازی توان اجتماعی و اقتصادی ایران است.

تحول در داخل برای سامان دادن به مولفه‌های قدرت ملی؛ همان‌طور که ایران در محاسبات آمریکایی‌ها در منطقه خلل ایجاد کرد و آنها امروز در بهت فرو رفته‌اند. اینک زمان بازسازی شکاف‌های داخلی است.

عملی شدن آزادی سرزمین‌های اشغالی امیدوار شدند و همین امر، اتصال معنایی میان آنها و بدنه اجتماعی درون جهان اسلام ایجاد می‌کند. اسرائیل برای بازسازی حیثیت خود مجبور است نقاب ظاهر سازی را بردارد و به اصل و ذات خویش برگردد: «خون‌ریزی شدید». برداشتن نقاب صهیونیست‌ها و تضعیف ایده عادی سازی صحنه، جبهه معارضان ایران را روشن می‌کند. به موضع رضاهلوی نگاه کنید که چگونه در کنار نتانیاهو و اشغالگران غاصب صهیونیستی پیراهن عزا به تن کرده است. او در وقایع پاییز ۱۴۰۱ انتخاب آمریکایی‌ها برای آلت‌نیازی سازی مقابل ایران بود. کسی که با تجزیه طلبان ائتلاف کرد و به عنوان معارض ایران در صندلی انتظار نشست. صهیونیست‌ها در ایران مغفوره‌ستند. آنگذر که تندترین نیروهای منتقد و معارض ایران از اینکه متصل به آنها شناسایی شوند واهمه دارند. صهیونیست‌ها به عنوان اشغالگر، معارض دین، سنت و نیروهای هم پیمان تجزیه طلبان و تهدیدکننده تمامیت ارضی ایران شناخته می‌شوند. هم آغوشی پهلوی و اسرائیل یک صحنه آشکار و شفاف تمام عیار برای شناسایی رؤس جریان‌های ضد ایران است.

چگونه و از چه مسیری می‌توانستیم نشان دهیم معارضان سیاسی ایران تصویری هولناک دارند و در صورت حاکم شدن بر ایران، سرزمین و میراثی باقی نمی‌گذارد؟ عملیات ۷ اکتبر که ورود فلسطینی‌ها به سرزمین اشغال شده خودشان و به اسارت گرفتن چند ده صهیونیست بود، چرا باید رضاهلوی را عزا دار کند؟ دوم، ضربه تاریخی و بزرگ امنیتی به صهیونیست‌ها علاوه بر شناسایی و روشن شدن صحنه جریان‌های ضد ایران، به تضعیف دست امنیتی و قدرت اجرایی اپوزیسیون می‌انجامد. اسرائیل مرکز فرماندهی عملیات‌های ضد ایران در سال گذشته بود و حالا مرکز فرماندهی خطر را در بیخ گوش خود احساس می‌کند. تغییر زمین بازی، مبارزه‌تن به تن ایران به معارضان و به پیله رفتن صهیونیست‌ها از ترس فروپاشی داخلی و خطر مبارزاتی که بی‌بی‌سی آن را این‌گونه توصیف می‌کند، نکته مهم و قابل تأملی برای اهل سیاست است: «اسرائیل تلاش خواهد کرد که سکوها‌ی پرتابی را که حملات شدید امروز به سوی اسرائیل از آنها صورت گرفت، نابود کند. این تلاش بیهوده و تقریبا غیرممکن است چون این راکت‌ها را تقریبا می‌توان از هر جایی پرتاب کرد. و شاید بزرگ‌ترین نگرانی اسرائیل این است: چگونه باید دیگرانی را که می‌خواهند به دعوت حماس برای حمله به اسرائیل پاسخ دهند، متوقف کند و از سرایت جنگ به کرانه باختری و شاید حتی با گروه به شدت مسلح حزب‌الله در مرزهای شمالی جلوگیری کند؟» طرح‌ریزی عملیات‌های ترور دانشمندان هسته‌ای ایران و خرابکاری مراکز حساس نظامی و تلاش برای شبکه سازی امنیتی در داخل ایران که در پاییز ۱۴۰۱ به صورت واضحی از این شبکه استفاده شد، در اسرائیل انجام شده بود. وقتی آتش با تمام قوا به داخل این اتاق عملیاتی می‌رسد، نقطه مقابل ایران در وضعیت تضعیف شده قرار می‌گیرد و برعکس

صهیونیست‌ها به صورت تاریخی فروریخت. تصویری که می‌خواست صدای هرگونه مبارزه با اشغالگری در جهان اسلام را محکوم به سکوت کند و پروژه عادی سازی را امری عقلانی و غیر قابل برگشت، نشان دهد. پذیرش واقعیت وجود صهیونیست‌ها که با رجا به داده‌های تاریخی عملی نبود؛ در گام نخست با استفاده از تضعیف نیروهای معارض درون فلسطین و در گام‌های پسینی در سوریه و لبنان با تکیه رویدادهای داخلی آنها طرح‌ریزی و اجرا شد. اتصال تشدید تضادهای قومی و مذہبی با تضعیف هر جریان مقاومت در برابر صهیونیست‌ها و استفاده از برگ اقتصادی و فشار کم‌رشدن به جامعه‌ای که در این صفا آری، نظام سیاسی مخالف اشغالگری را نمایندگی می‌کند نیز بر این اساس عملیاتی شد.

از این منظر برای پیدا کردن چهارچوبی مفهومی که به صورت واضحی توضیح دهنده منافع ملی ایران در ماجرای فلسطین باشد، واقعه مهم و حیاتی ۷ اکتبر کم‌کم‌کننده بزرگی است و در سه لایه تحلیلی قابل توصیف است: یکم، آمریکایی‌ها می‌خواستند تمام نیروهای مخالف عادی سازی در سه سطح درون جهان اسلام را خاموش کنند؛ اول مبارزان داخل فلسطین، دوم گروه‌های مقاومت سازماندهی شده در کشورهای همسایه مثل لبنان، سوم نیروهای اجتماعی مخالف وجود اسرائیل در میان مسلمانان. الگوسازی موفق از دولت‌های موافق عادی سازی و الگوسازی شکست خورده از مخالفان با فشارهای اقتصادی وحشتناک در این مسیر عملیاتی می‌شد. در طول سه دهه اخیر جریان‌های دانشگاهی غیرمسلمان زیادی مخالف اشغالگری صهیونیست‌ها در غرب شکل گرفته است. اصلی‌ترین نقطه عزیمت جریان‌های داخل و خارج از جهان اسلام که همراه با ایده مقاومت شکل گرفته‌اند، وجود مبارزان فلسطینی است؛ تا آنها نباشند تمام ایده‌های بیرون از فلسطین تضعیف می‌شوند. عملیات بزرگ شنبه در جنوب سرزمین‌های اشغالی، مهریاطل به ایده عادی سازی از منظر هضم جامعه فلسطین در جمعیت اشغالگران صهیونیست بود. انگاره تمام شدن نسل مبارزان که در ایران نیز به صورت پرزنگ تکرار می‌شد بر این فرضیه استوار بود که وقتی فلسطینی‌ها هم وجود اسرائیل را پذیرفته‌اند؛ ما چرا اصرار بیهوده داریم؟ هرچند در دو دهه اخیر آزادی جنوب لبنان و پیروزی‌های چشمگیر مقاومت در غزه این انگاره را سست می‌کرد ولی عملیات طوفان اقصی در صبح شنبه دیگری جای هیچ شک و شبهه‌ای باقی نمی‌گذارد.

آمریکایی‌ها در آستانه رساندن دست عربستان به دستان زهرآلود صهیونیست‌ها بودند و حالا صحنه تغییر کرد. مساله اشغالگری صهیونیست‌ها در سرزمین مادری فلسطین یکبار دیگر به سطح جامعه مسلمانان آمد و ایده مبارزه برای بازپس‌گیری وطن جذاب شد. نیزنگ عادی سازی هرچند شکاف عمیقی در جهان اسلام ایجاد کرده اما نتوانست ریشه مبارزه علیه اشغالگران را خشک کند و حالا صحنه تغییر کرد. عدالت طلبان و آزادخواهان به



@radiomazmoon

رادیو مضمون، کاری از گروه یادگست‌های همیشه در میان و روزنامه فرهیختگان



فصل جدید رادیو مضمون منتشر شد |



# روایت سال‌های جنگ